

täglich, immer

سلام دوستان در درس امروز از سری دروس اینستاگرامی می خواهیم با هم دو قید زمان täglich و immer را مورد بررسی قرار بدهیم :

täglich همیشه ، دائم ، مدام ، همواره

immer یومیه ، روز به روز ، روزانه

Täglich: so, dass etwas jeden Tag geschieht , nicht nur Mo-Fr

روزانه : به این صورت که چیزی هر روز پیش بیاید یا به وقوع بپیوندد ، نه فقط دوشنبه تا جمعه

immer: drückt aus, dass etwas gleich bleibt oder sich wiederholt; die ganze Zeit

تاکید کنیم که چیزی ثابت بماند و در تمام مدت تکرار شود.

Man soll täglich Obst und Gemüse essen

آدم می بایستی روزانه میوه و سبزیجات بخورد.

Die meisten Menschen putzen sich täglich die Zähne

اغلب آدم ها روزانه دندان هایشان را مسواک میزنند

Ich habe den Eindruck, diese Ampel ist immer rot

من این تصور را دارم (که) این چراغ راهنمایی همیشه قرمز است

Hier in Norwegen regnet es immer

اینجا در نروژ همیشه خدا باران می بارد.

البته **immer** می تواند به معنی هر دفعه و نزدیک به اصطلاح **jedes mal** نیز باشد.

Immer wenn du kochst, gibt es was Gesundes

هر دفعه که تو آشپزی میکنی ، چیز های سالم وجود دارد

Ich bekomme **immer** Zahnfleischbluten, **wenn** ich mir die Zähne putze

من هر دفعه که دندان هایم را مسواک میزنم از لثه هایم خون می آید.

این درس را در اینستاگرام نیز دنبال کنید:



. . de.alemani.de/?p=7522 . دلت میخواد بیشتر در اینباره بدونی؟ .
#آموزش_زبان_آلمانی #مرتضی_غلام_نژاد #deutsch #deutsch_lernen
#deutsch_als_fremdsprache

A post shared by [de.alemani.de](#) (@de.alemani.de) on Jun 5, 2018 at 10:43pm PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

müssen, sollen

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم نگاهی داشته باشیم به دو فعل کمکی **müssen** و **sollen** و همچنین حالت های منفی آنها را نیز مورد بررسی قرار بدهیم.

sollen می بایستی

müssen باید

nicht sollen نمی بایستی

nicht müssen نباید

تفاوت و کاربرد :

در واقع **müssen** باید صد درصدی است و حتماً باید چیزی انجام بشود و **nicht müssen** دقیقاً متضاد آن است ، آدم نمی باید چیزی را انجام بدهد.

و **sollen** باید صد درصدی نیست ، بلکه کمی اختیار در آن وجود دارد و **nicht sollen** نیز دقیقاً متضاد آن است.

nicht müssen : es gibt keinen Zwang/Auftrag, etwas zu tun; man braucht etw. nicht zu tun

نباید : هیچ اجباری / هیچ دستوری وجود ندارد. (تا) چیزی را انجام بدهیم ، آدم نیاز نیست کاری را انجام بدهد

nicht sollen : es gibt einen Auftrag, etwas nicht zu tun; man darf etw. nicht tun

نمی بایستی : یک وظیفه یا دستوری وجود دارد. (تا) چیزی را انجام ندهیم ، آدم اجازه انجام چیزی را ندارد.

چنانچه می خواهید بیشتر در مورد تفاوت و کاربردهای **sollen** و **müssen** بدانید حتماً درس زیر را مطالعه کنید.

نگاهی دقیق تر به **sollen** و **müssen** در زبان آلمانی ([کلیک کنید](#))

چند مثال و پایان درس :

Ich **muss** heute **nicht** zur Schule gehen

من **نباید** امروز به مدرسه بروم

یعنی نباید کاری انجام بدهم که این کار ، مدرسه رفتن است.

Wegen mir **muss** du die Heizung **nicht** anmachen. Ich ziehe einen Pulli an

به خاطر من ، **نباید** شوفاژ را روشن کنی. من یک پلیور تن میکنم. (می پوشم)

Holen Sie die bestellten Bücher ab, oder **sollen** wir sie Ihnen schicken?

کتاب های سفارش داده شده را خودتان می آید و می برید یا ما **می بایستی** آنها را برایتان ارسال کنیم

Mein Lehrer hat gesagt, ich **soll nicht** immer vorsagen

معلم من می گفت : من **نمی بایستی** دائماً **پچ** پچ کنم یا نجوا کنم

این درس را در اینستاگرام دنبال کنید.



.. de.alemani.de/?p=7515 . . دلت میخواد بیشتر در اینباره بدونی؟
deutsch_als_fremdsprache #deutsch_lernen# نژاد_غلام_مرتضی_# deutsch# آلمانی_زبان_آلمانی_#آموزش_زبان_آلمانی_#

A post shared by [de.alemani.de](https://www.instagram.com/de.alemani.de) (@de.alemani.de) on Jun 6, 2018 at 10:40pm PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

fertig sein, bereit sein

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم اصطلاح **bereit sein** و همچنین **fertig sein** را مورد بررسی قرار بدهیم.

ما در این درس به شباهت ها و تفاوت های این دو اصطلاح می پردازیم.

Beide Wörter können bedeuten, dass man in einer Situation ist, in der man eine neue Arbeit / Tätigkeit beginnen kann

هر دوی آنها می توانند به این معنی باشد که آدم در یک موقعیتی است که در آن یک کار یا عمل جدیدی را می تواند شروع کند.

fertig sein عمل یا کاری را به پایان بردن یا اینکه آماده بودن برای انجام کار یا عمل جدیدی

bereit sein حاضر و آماده بودن ، مهیا بودن

به مثال زیر توجه کنید :

Wir wollen jetzt losgehen. **Bist** du endlich **fertig**?

ما باید الان راه بیافتیم ، تو بالاخره آماده شدی

Wir wollen jetzt losgehen. **Bist** du endlich **bereit**?

ما باید الان راه بیافتیم ، تو بالاخره حاضر و آماده شدی

همانطور که دیدید در این شرایط ما می توانیم آنها را به جای یکدیگر مورد استفاده قرار بدهیم ، در واقع ما هر کدام از جملات بالا را بکار ببریم ، برای مخاطب یک برداشت و مفهوم را به همراه دارد.

اما اجازه بدید نگاهی به مفاهیم **bereit** و **fertig** نیز داشته باشیم

bereit حاضر ، آماده ، مهیا ، فراهم

و اگر با فعل **sein** ترکیب شود ، آنگاه به مفهوم زیر می باشد :

bereit sein حاضر بودن ، آماده بودن ، مهیا بودن ، فراهم بودن

fertig آماده ، مهیا ، حاضر و آماده برای انجام کاری

و اگر با فعل **sein** ترکیب شود ، آنگاه به مفهوم زیر می باشد :

fertig sein آماده بودن ، مهیا بودن ، حاضر و آماده برای انجام کاری بودن

البته توجه داشته باشید که **fertig** می تواند معانی زیر را نیز داشته باشد :

خسته و کوفته ، تمام شده ، خاتمه یافته ، به پایان رسیده ، از پا افتاده

که همین مفاهیم است باعث تفاوت میان **fertig sein** با **bereit sein** شده است و به همین دلیل است که ما همیشه و در همه جا نمی توانیم آنها را به جای یکدیگر استفاده کنیم.

به مثال های زیر توجه کنید :

Alles **ist bereit**, die Gäste können kommen

همه چیز حاضر و آماده است (مهیاست) ، مهمان ها می توانند بیایند.

Wärest du bereit, mir zu helfen?

Unser Haus soll nächsten Sommer endlich **fertig werden**

خانه یمان می بایستی (تا) تابستان بعدی سر انجام به پایان برسد.

توضیحات : در واقع **bereit sein** به این مفهوم است که ما کاملاً حاضر و آماده برای انجام کاری باشیم ، اگر چه **fertig sein** می تواند این مفهوم را نیز داشته باشد ، ولی از طرف دیگر می تواند به این مفهوم نیز باشد که کاری را به پایان بردن و حالا آماده بودن برای یک عمل دیگر ، یا اینکه از چیزی خسته شدن و کنار گذاشتن را **fertig sein** می تواند به همراه داشته باشد.

اجازه بدید از نظر گرامری یا دستور زبانی نیز به این دو اصطلاح بپردازیم

mit etwas oder jemandem fertig sein

تفکر آلمانی : توسط چیزی خسته و کوفته شدن

تفکر فارسی : از چیزی زده شدن ، خسته شدن ، کلافه شدن

für etwas oder jemanden bereit sein

برای چیزی یا برای کسی حاضر و آماده بودن

اگر توجه کرده باشید ما در تفکر آلمانی **mit** چیزی یا **mit** کسی خسته می شویم ، برای مثال : **mit jemandem fertig sein** به این معنی است که ما از کسی خسته بشویم و دیگر نخواهیم با او کار کنیم یا ارتباط داشته باشیم ، از ارتباط یا کار کردن با او خسته شده ایم!

همانطور که میدانیم **mit** یک حرف اضافه **Dativ** ساز می باشد ، بنابراین **mit jemandem**

اما در مورد **bereit sein** کاملاً مفهومی برعکس دارد ، برای مثال : **für jemanden bereit sein** به این معنی است که ما

برای کسی وقت داشته باشیم و به خاطر او حضور داشته باشیم ، حال به جهت کم کردن ، صحبت کردن و هر عمل دیگری!

همانطور که میدانید **für** یک حرف اضافه **Akkusativ** ساز می باشد ، بنابراین **für jemanden**

دنبال کردن این درس در اینستاگرام



de_alemani_de# #مرتضی_غلام_نژاد #deutsch #lernen #deutsch_als_fremdsprache#

A post shared by de.alemani.de (@de.alemani.de) on Jun 5, 2018 at 2:07am PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

Die Bestechung

سلام دوستان در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به اسم Die Bestechung و فعل bestechen

Die Bestechung یک اسم مونث می باشد

رشوه

bestechen یک فعل می باشد

رشوه دادن

گذشته ساده : bestachen

گذشته کامل : haben bestochen

و البته از اینها ما می توانیم به صفت زیر نیز برسیم

bestechlich

رشوه خوار

Nicht nur in unserer Heimat gibt es Bestechung, sondern auch in Deutschland

نه تنها رشوه در کشور (وطن) ما وجود دارد ، بلکه در آلمان نیز وجود دارد

Asyl-Skandal

رسوایی پناهندگی

War Bremen ein Schlupfloch?

شهر برمن راه گریز بود؟

در مورد اسم das Schlupfloch به سوراخ یا روزنه ای گفته می شود که آدم می تواند از آن فرار کند ، به زبان ساده تر به یک راه گریز Schlupfloch گفته میشود.

و اما Skandal به معنی : رسوایی ، افتضاح ، بدنامی و آبروریزی می باشد.

Die meisten Menschen sind blutrünstig, sie wittern den Skandal

اکثر انسان ها تشنه خون هستند ، آنها رسوایی را بو می کشند

Dieses unethische Verhalten ist meiner Ansicht nach ein Skandal

به نظر من این رفتار غیراخلاقی ، یک رسوایی است!

شاید شنیده باشید چند روز پیش در شهر برمن آلمان یک خانم مسئول رسیدگی به پرونده پناهندگان با دریافت Bestechung به پرونده آنها جواب مثبت میداده است اما بعد از مدتی که رونده قبولی در این شهر افزایش یافت و با کنترل دوباره پرونده ها ، پی بردند که یک چیزی اینجا نمی تواند درست باشد و در نهایت پس از بررسی دقیق تر دریافتند که این خانم با دریافت مقداری

پول به پرونده ها جواب مثبت میداده است. حال قرار است تمامی پرونده های که از سال ۲۰۰۰ در شهر برمن توسط این خانم قبولی گرفته اند مجدداً مورد بازبینی قرار بگیرند. به احتمال خیلی زیاد بیش از هزاران پرونده مورد بررسی دقیق قرار خواهند گرفت و جواب قبولی خیلی از آنها پس گرفته خواهد شد!

برگردیم به درس :

Noch heute wird so manches Amt durch Bestechung erkaufte

حتی امروزه نیز بعضی از اداره ها توسط رشوه خریداری می شوند

یعنی با دادن رشوه به بعضی از ادارات قانون را دور زده و کار خودشان را پیش می برند

Einen Beamten bestechen

یک کارمندی را رشوه دادن

در تفکر آلمانی : ما همواره کسی را رشوه میدهیم یعنی این فعل Akkusativ ساز است ، اما در تفکر فارسی ما معمولاً به کسی رشوه میدهیم ، ساده تر اینکه در فارسی این فعل Dativ ساز است اما در تفکر آلمانی این فعل Akkusativ ساز!

Er bestach den zuständigen Sachbearbeiter, um den Auftrag zu erhalten

او (مذکر) آن کارمند مسئول را رشوه داده تا آن ماموریت (وظیفه) را دریافت کند.

Die Deutschen, zeigt der Index, sind *bestechlicher* als manche ihrer europäischen Nachbarn

آن فهرست نشان میدهد ، آلمانی ها رشوه خوار تر از بعضی کشورهای همسایه اروپایی شان هستند.

Der Index zeigt, dass die Deutschen *bestechlicher* sind als manche ihrer europäischen Nachbarn

آن فهرست نشان میدهد ، آلمانی ها رشوه خوار تر از بعضی کشورهای همسایه اروپایی شان هستند.

Am bestechlichsten sind nicht die Minister, sondern die Steuerbehörden

وزرا رشوه خوارترین نیستند ، بلکه مقامات اداره مالیات رشوه خوارترین هستند.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

hinter die Ohren schreiben

hinter die Ohren schreiben

پشت گوش ها نوشتن

به معنی :

sich etwas merken

چیزی را به خوبی به یاد داشتن

در فارسی گفته می شود : چیزی را آویزه گوش کردن!

Das schreibst du dir schön hinter die Ohren

اینرا (خوب) آویزه گوش هایت کن!

Was steht da? Ich höre

چی اینجا نوشته ؟ میشنوم (بگو میشنوم)

Parkverbot

پارک کردن ممنوع

Lauter, ich verstehe nichts

بلندتر ، چیزی متوجه نمیشم (نشدم)

Das ist die richtige Methode

این همون راه و روش درسته است

Lies zu Ende

تا آخرش بخون

Privatgrundstück

ملک خصوصی

So, das schreibst du dir schön hinter die Ohren. Jetzt ab hier

خب پس از الان به بعد اینرو آویزه گوش هات کن

